

فصلنامه مطالعات قرآنی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، زمستان ۱۴۰۰، صص ۷۳-۹۷

## تحلیل مفاهیم مرتبط با اثبات عقلی موعودگرایی در تفاسیر قرآنی اهل سنت و تشیع

ماشاءالله بخشی\*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۰

سید عادل نادر علی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱/۲۶

مهریار شبابی\*\*\*

### چکیده

بررسی مفاهیم قرآن کریم بسیار حائز اهمیت است به خصوص هنگامی که با منطق و استدلال و تفسیر قرآن به قرآن همراه باشد. این مقاله با تأکید بر تفاسیر اهل سنت و تشیع، به مواردی مهم مانند موعودگرایی و موعودباوری که با سرنوشت بشریت گره خورده است، می‌پردازد و بیش از ۶۵ آیه در آن‌ها وجود دارد که کاملاً نگاهی مشترک به موعودباوری دارند؛ با بررسی مفاهیم ۱۰ آیه از آیات قرآن کاملاً مشهود است که فارغ از تفسیر و روایت در مورد این آیات با توجه به مفاهیم خود آیه و در کنار آن قرار دادن با مفهوم کلی قرآن کریم می‌توان با استدلال و منطق آنچه مورد ادعای مفسران و تفسیرهای قرآن کریم که بیش‌تر یا روایی هستند یا منبعث از روایات می‌باشند دست یافت و نوعی مفهوم شناسی مستقل را به کار گرفت. مهم‌ترین نتایج این تحقیق بیان می‌دارند که موعود باوری ضرورتی برای زنده بودن حضرت عیسی(ع)، و لزوم وجود موعود برای غلبه دین خداوند بر تمام ادیان و یکی شدن دین تمام مردم، با سبک مفهوم شناسی آیات مربوطه قابل اثبات است.

**کلیدواژگان:** قرآن کریم، اهل سنت، تشیع، موعود، ظهور، استدلال.

\* دانشجوی دکترای رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

Adelnaderali53@gmail.com

\*\* دانشیار گروه الهیات و معارف، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

\*\*\* استادیار گروه الهیات و معارف، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

نویسنده مسئول: سید عادل نادر علی

## مقدمه

بررسی مفاهیم قرآن مجید از آنچنان اهمیتی برخوردار است که در صورت عدم وجود آن‌ها این کتاب هادی را به یک شیء صرفاً مقدس تبدیل می‌کند یا لا اقل به کتاب آوازی زیبا که قاریان گرام کلام خداوند را با صوتی زیبا به گوش جهانیان می‌رسانند نشان می‌دهد یا اینکه در نهایت با معنی ظاهری این کتاب انسان‌ها و پیروان الله کمی به خود آرامش می‌دهند و از معنی ظاهری آن لذت می‌برند.

هرچند تمامی مفاهیم کتاب الله بسیار مهم است چه مفاهیم در باب آغاز خلقت و روند و سیر تاریخی زندگی بشریت و یا مفاهیم مرتبط با اخلاق و سبک زندگی و... ولی مفاهیمی که بشریت در این زمان وانفسا و بحران هویت و اصالت لذت‌های مادی زودگذر و بحران‌های اندیشه‌ای و فکری و فلسفی چه بسا بسیار حائز اهمیت می‌باشد مفاهیم مربوط به فرجام و سرنوشت بشریت است، مفاهیم مرتبط به موعودگرایی و نجات بشریت از تمام بحران‌های موجود.

در کتب آسمانی یکی از مفاهیم مرتبط به سرنوشت انسان و دنیای هستی مفهوم موعودباوری و موعودگرایی به صورت عام و مهدویت به صورت خاص است. این مفهوم از آنجا بیش‌تر ارزش خود را نمایان می‌کند که انسان‌ها همواره برای زندگی خود برنامه‌ریزی و تلاش می‌کنند و منتظر نتیجه این برنامه‌ها و تلاش‌ها هستند، پس از لحاظ عقلی و منطقی پردازش این مفاهیم خواستارهای زیادی دارد.

قابل ذکر است که در خلال بررسی مفاهیم باید منطق، استدلال و ذکر دلایل مرتبط با ادعا نمایان باشد که نشان دهد: هرچند کتاب‌های آسمانی و وحیانی بدون تحریف و یا لااقل آن بخشی که تحریف نشده‌اند با خرد انسان‌های خردمند و استدلال دانشمندان و نظریه‌پردازان بدون غرض و مرض مطابق است و می‌توان با قاطعیت از این استدلال‌های نهفته در این مفاهیم برای اثبات ادعاهای درست فرستادگان خداوند استفاده کرد تا خردمندان و دانشمندان و اندیشه‌ورزان در ابتدا و سپس عامه مردم به پیروی از آن‌ها، این مفاهیم را پذیرفته و زمینه بروز و ظهور انسان کامل و پذیرش او در جهان فراهم باشد. سؤال این است که چه کسی این مفاهیم را ساخته و پرداخته و یا آن‌ها را مستدل به منظور گوینده می‌کند؟ در پاسخ باید گفت: سیر و روند فقه اللغه و کتب لغت

دانشمندان واژه شناس از ابتدا تا حال، تفسیر مفسران بزرگ کتاب خداوند و در کنار هم قرار دادن وقایع و شباهت‌های تاریخی عالم هستی و سپس ابراز نظر گویندگان و شارحان این مفاهیم آن‌ها را مستدل به دلایل و منطبق با منطق و آماده پذیرش عام می‌گرداند.

این پژوهش بر آن است مفاهیم مرتبط به موعودگرایی در قرآن عظیم را مورد کنکاش و از لحاظ مقصود و منظور و هدف از ارائه آن‌ها در این کتاب مقدس را بررسی نماید و با استدلال‌های منطبق با خرد و اندیشه آن‌ها را بیش‌تر شرح دهد و نتیجه را به شنوندگان و خوانندگان گرامی واگذار کند.

بررسی مفاهیم موعودگرایی از منظر مفسران اهل سنت و تشیع اصل کار این پژوهش است زیرا که تلاش بی‌وقفه از زمان نزول کتاب وحی را باید ارج نهاد و ابتدا به ساکن هیچ فردی حتی بزرگ‌ترین لغت‌شناسان و مفسران نمی‌توانند مفهوم شناسی و تفسیرگویی داشته باشند که در این صورت چه بسا دچار انحراف و سخنان غیر مستدل گردند.

سؤال‌ها در این پژوهش این است:

- آیا می‌توان با توجه به واژه شناسی و تفسیر نگری اثبات عقلانی و منطقی برای پذیرش موضوع موعودباوری و موعودگرایی از آیات قرآن کریم داشت؟
- آیا می‌توان اثبات کرد موعود باوری مورد ادعای آیات قرآن کریم قابل اتفاق است؟
- آیا جزئیات اتفاقات موعودگرایانه را نیز می‌توان با بررسی مفاهیم آیات مربوطه را تا حدی اثبات نمود؟

### پیشینه تحقیق

مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در رابطه به موضوع این مقاله نوشته شده است عبارت‌اند از:

- مقاله «اندیشه موعودگرایی در عصر صفوی»، از مهدی فرهانی منفرد و نسیم خلیلی، چاپ شده در فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، دانشگاه الزهراء، سال بیستم، شماره

هشتم، زمستان ۱۳۸۹ ش. دستاورد این پژوهش آن بود که حاکمان صفوی کوشیدند با همکاری علما و مورخان، ضمن تعدیل در اندیشه غلوآمیز پیشین، همچنان خود را حاکمانی نجات بخش نشان دهند و قدرت از سوی شاه که همچنان به مثابه بارقه‌ای از مرشد کامل به شمار می‌رفت، به مجتهدان و روحانیان نزدیک به دربار تفویض می‌شد و مجتهدان دوباره این قدرت را به شاه تفویض می‌کردند.

- مقاله «منجی‌گرایی در عصر حاکمیت مغول‌ها در ایران» نوشته حسین ایزدی، چاپ شده در فصلنامه تاریخ اسلام، سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲ ش. موضوع این مقاله، پرداختن به ظهور مدعیان مهدویت و زمینه‌های قیام‌های آنان در این عصر است و در آن، قیام‌هایی مانند قیام محمود تارابی، ابوالکرام دارانی، ابوصالح حلی، احمد شامی، موسی کردستانی، و امیر تیمورتاش چوپانی بررسی شده است. مهم‌ترین نتیجه این پژوهش آن بود که زمینه ظهور مدعیان مهدویت و مطرح شدن موعودگرایی در دوران حکومت مغولان در ایران با توجه به خشونت خاص، غارت‌گری، ظلم، فساد و بهره‌کشی مغول‌ها بسیار فراهم بود. مردم ایران با توجه به آموزه‌های اسلام شیعی، نجات را در ظهور امام غایبی جست‌وجو می‌کردند که بشارت ظهورش در آیات، روایات و احادیث داده شده بود و با ظهورش عدل و مساوات را حاکم می‌کرد. در این دوره قیام‌های متعددی نیز رخ داد و این قیام‌ها نشان داد که فضای سیاسی مذهبی ایران در قرن هشتم هجری قمری را اندیشه تشیع و مهدویت فرا گرفته بود و مردم ایران گرایش عمیقی نسبت به تشیع داشتند.

- مقاله «منجی موعود در ادیان بزرگ قبل از اسلام»، نوشته مهین عرب، فصلنامه الهیات تطبیقی، سال پنجم، شماره یازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش. در این مقاله پس از مرور برخی از بشارت‌های گذشتگان و سخنان پیامبران الهی به تحلیل و گونه‌شناسی اندیشه موعود در این ادیان پرداخته شده است و ماحصل اینکه هر چند تعابیر و گونه‌های منجی باوری در ادیان مذکور متفاوت است لیکن نقطه اشتراک مهمی در همه ادیان بزرگ وجود دارد و آن چیزی جز ایمان و امید به ظهور منجی آخرالزمان نیست.

- مقاله «موعودگرایی در قرآن و عهدین»، نوشته محمد هادی یداله پور، مرتضی خرمی و سیده فاطمه حسینی، فصلنامه سراج منیر، دوره ۵، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۳ ش.

این مقاله نگاهی اجمالی به متون ادیان توحیدی اسلام، یهود و مسیحیت است و نویسندگان در آن به این نتیجه رسیدند که انتظار برای ظهور منجی عقیده‌ای عمومی و مشترک است که اختصاص به یک قوم و ملت و دین ندارد و ادیان و مذاهب گوناگون عموماً ظهور او را خبر داده‌اند، اگرچه در جزئیات موضوع اختلاف دارند که البته غالباً پیروان این ادیان به بیراهه رفتند و در مورد عظمت وجودی، هویت و شخصیت منجی موعود و همچنین وظایف خود در دوران غیبت و قبل از ظهور موعود دچار غفلت و گمراهی شدند. اعتقاد به منجی موعود و تشکیل حکومت جهانی یک اشتیاق و میل جهانی است که اسلام و ادیان دیگر نیز با وعده ظهور منجی بزرگ، این خواسته و شوق درونی را بی‌پاسخ نگذاشته‌اند و به نوعی این عطش را تازه و زنده نگه داشته‌اند. علی‌رغم تحریف کتاب‌های دینی ادیان گذشته، در بخش‌های زیادی از این کتاب‌ها به نمونه‌های نویدهایی که توسط پیامبران الهی به امت‌های‌شان رسیده، بر می‌خوریم و در همین راستا هر دین و مذهبی با الهام گرفتن از سخنان پیامبران و کتاب‌های آسمانی خود، دم از حکومت واحد جهانی می‌زند و معتقد است فردی مصلح خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد می‌کند، چنانچه از ظلم و جور پر شده است. چنین مصلحی به جنایت‌ها و خیانت‌های ضد انسانی خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد، کسی که پیامبران و سفیران الهی ظهور او را نوید داده و آن را حتمی می‌دانند.

- پایان نامه «نشانه‌شناسی موعودگرایی مسیحیت صهیونیستی در سینمای آمریکا (۲۰۰۰-۲۰۱۳)» از حامد قویدل، ۱۳۹۳ش، نویسنده در این اثر عقیده دارد که مسیحیان صهیونیست جزو گروه‌های بنیادگرایی هستند که در اروپا و آمریکای شمالی طرفداران زیادی دارند. اینان تفاسیر خاصی از کتاب‌های مقدس داشته و عقاید متفاوتی از سایر مسیحیان و نیز یهودیان یافته و بالأخص در مورد آخرالزمان و فرجام کار انسان و جهان منادی آموزه‌های تازه‌ای شده‌اند. از سوی دیگر سینما به عنوان یکی از پربیننده‌ترین رسانه‌های چند دهه اخیر در سراسر جهان به ابزار کارآمدی برای بسط و گسترش این عقاید ضد توحیدی تبدیل شده و سالانه فیلم‌های بسیاری با مضمون موعودگرایی تولید شده است.

- مقاله «عوامل بازدارنده در توسعه منجی‌گرایی مهدوی از دیدگاه اسلامی» از سیدمیرصالح حسینی جبلی، چاپ شده در فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، سال چهارم، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۵ ش. در این پژوهش، به شناخت عوامل بازدارنده مهدوی‌گرایی از دیدگاه اسلامی پرداخته شده است که با توجه به آموزه‌های کتاب و سنت، عواملی مانند موجودات شیطانی، بی‌ارزش تلقی کردن خود در انسان، فرار از تعاملات اجتماعی و گوشه‌گیری از اجتماع مسلمین، دنیاطلبی و تغییرات معنوی و حس تنوع طلبی مهارگسیخته انسان در منجی‌گرایی و در نهایت استفاده ابزاری از دین توسط مدعیان نوظهور منجی‌گرا سبب شده است که منجی‌گرایی مهدوی مورد نظر اسلام دچار چالش گردد و بنیان‌های اعتقادی و ارزشی مهدوی (عج) با گسترش شبهات به سوی ضعف، مدیریت شود.

همانطور که مشاهده می‌شود در هیچ یک از پژوهش‌های مذکور نویسندگان مسأله مهدویت و موعودگرایی را از منظر قرآن کریم و با استناد به تفاسیر بررسی نکرده‌اند و این امر وجه تمایز مقاله حاضر با پژوهش‌های فوق به شمار می‌رود.

### موعودگرایی و مهدویت

در کتب لغت، واژه «موعود» اسم مفعول از ریشه «وعد» به معنای «وعده داد» است که «موعود» به معنی وعده داده شده آمده است (انیس و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۴۰۳). این ریشه هم بار معنایی مثبت دارد و هم بار معنایی منفی و در اصل یک واژه خنثی محسوب می‌شود اما از آنجا که «موعود» وقتی در رابطه با حضرت مهدی (عج) به کار رود، در بردارنده مفهوم مثبت و دال بر بشارت و امیدواری است، ضرورت دارد که در همین ابتدا به مفهوم بشارت نیز پرداخته شود تا درک معنای موعود و موعودگرایی برای خوانندگان بهتر تبیین گردد. «بشارت در اصطلاح، اخبار به خیر و امور مطلوب است و در مقابل انداز قرار می‌گیرد. در یک تعریف دیگر منظور از بشارت که با مفهوم موعودگرایی در این مقاله همسویی دارد، خبری است که به وسیله آن خر گیرنده مسرور می‌شود» (فلاح و نصیری، ۱۳۹۷ ش: ۷۷). از لحاظ اصطلاحی خاص موعود به کسی اطلاق می‌شود که خداوند و پیامبران در ادیان توحیدی و در ادیان دیگر و متون دینی

وعده او را داده‌اند یعنی اینکه او خواهد آمد یا از پرده غیب ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد می‌کند.

موعودگرایی عقیده‌ای است که در کیش‌های آسمانی: زور استریانیسم (مذهب زردتشت) وجود آئیسم (مذهب یهود) و سه مذهب عمده مسیحیت: کاتولیک، پروتستان، ارتودوکس و به طور کلی در میان مدعیان نبوت، به مثابه یک اصل مسلم قبول شده و همگی بالاتفاق بشارت ظهور مصلح را داده‌اند... در این راستا، دو مذهب عمده اسلام- تشیع و تسنن- هم در ظهور یک «مهدی» در دوران واپسین زمان، اتفاق نظر دارند (خسرو شاهی، ۱۳۸۲: ۵۶).

با بررسی‌های به عمل آمده موعودگرایی در اکثر قریب به تمام مکاتب و مذاهب و عقیده‌های جهانی وجود دارد و هر مکتبی به نوعی پیروان خود را در این خصوص اجبار به پذیرش این عقیده کرده است.

با بررسی مصادر حدیثی، تاریخی، عقیدتی و تفسیری اهل سنت و تشیع این حقیقت دریافته می‌شود که نخستین کسی که درباره موعودگرایی و درباره مصداق آن و اوصاف شخص موعود سخن گفت پیام آور اسلام محمد بن عبد/الله (ص) بوده است، پس با این وجود عقیده موعودگرایی و مشترکات آن در تمامی مذاهب اسلامی امری بدیع و غیر قابل انکار می‌باشد، زیرا خود رسول اکرم (ص) مروج این عقیده بوده است (فقیه ایمانی، ۱۴۲۰: ۷). اگرچه در مصداق شخص موعود اختلاف وجود دارد، لیکن اصل قضیه موعودگرایی یا همان مهدویت در اسلام یکی از مسلمات فریقین است و از صدر اسلام تا امروز احدی از مسلمین منکر اصل مهدویت- که مصداق بارز موعودگرایی در اسلام است- نشده است (سبحانی، ۱۴۱۷: ۱۳۲/۴).

موعودگرایی از مسلمات مذاهب اسلامی است، علمای فرق مختلف اهل سنت، احادیث مهدویت- یا همان مصداق بارز موعودگرایی- را متواتر دانسته‌اند، ابن/احمد ابوالسرود الصباح الحنفی، ابن حجر هیثمی مکی، شیخ محمد الخطابی المالکی، و شیخ یحیی بن محمد الحنفی، که از علمای مذاهب اربعه اهل سنت می‌باشند، احادیث و روایات مهدویت را مسلم دانسته‌اند (فقیه ایمانی، ۱۴۲۰: ۱۲۰). از منظر شیعه موعودگرایی با مصداق/امام مهدی (عج) فرزند/امام حسن عسکری (ع) جزو اصول مذهب

است، علامه حسن حسن زاده آملی می گوید: اگر کسی در خصوص شخص حضرت مهدی موعود(عج) اندک تتبعی در جوامع روایی فریقین و کتب سیر و تاریخ آن‌ها بنماید، حقیقت به وی مسلم خواهد شد که ایمان به مهدی موعود و ایقان به ظهور او از بدو اسلام مرکوز اذهان بوده است(حسن زاده آملی، بی تا: ۱۸).

از منظر طرفداران خلفای راشدین ظهور موعود یکی از نخستین و نامدارترین علامات رستاخیز بزرگ به شمار می رود. از این رو در نوشته‌های دانشمندان اهل سنت، روایات و مباحث مهدویت بیش تر به دنبال گفت‌وگو از «اشراط الساعة» نقل و مطرح می شود (الصنعانی، ۱۴۰۳: ۳۹؛ هندی، ۱۴۰۵: ۲۰۳).

طبق بررسی‌های برخی دانشمندان، ذکر حضرت مهدی موعود(عج)(مصدق اصلی و پایه تفکر موعودگرایی) در بیش از هفتاد کتاب اهل سنت آمده است(خلخال، بی تا: ۲۰۷).

### آمار آیات موعودگرایی و مهدویت در تفاسیر اهل سنت و تشیع

این پژوهش با بررسی تفاسیر مهم اهل سنت(حدود ۱۵۰ تفسیر) به نتایج پیش رو دست یافته است:

در برخی تفاسیر، مطلبی در باب موعودباوری و موعودگرایی و مهدویت نیامده است؛ هفتاد درصد از کل تفاسیر اهل سنت، به مباحث مهدویت پرداخته‌اند(اگرچه در حد نقل یک روایت) و سی درصد آن‌ها اصلاً اشاره‌ای به مهدویت نداشته‌اند. درصد کمی از تفاسیر، حاوی مطالب ضد مهدویت است و غالباً در تفاسیر از قرن دهم تا پانزدهم دیده می شود.

از جهت فراوانی مباحث، تفاسیر «روح البیان»، «روح المعانی»، «تفسیر ابن عربی»، «تفسیر مظهری» و «تفسیر المنار» به ترتیب بیش ترین مطالب مهدویت را در خود جای داده‌اند. مباحث تحلیلی در تفاسیر اهل سنت به ندرت دیده می شود و عمدتاً به بیان یک یا چند روایت و تصحیح و یا تضعیف آن اکتفا کرده‌اند. مطالب تفاسیر در قرون اولیه، غالباً به صورت نقل روایت بوده، مانند «تفسیر مقاتل»، «ابن کثیر»، «جامع البیان طبری»، «الجامع لأحكام القرآن قرطبی»، و...؛ در تفاسیر متأخر مانند «المنار» رشید



رضا، «روح المعانی» آلوسی و... به صورت تحلیلی است. از کل حجم مطالب مهدویت مطرح شده در تفاسیر اهل سنت هفتاد و پنج درصد به صورت نقل روایت است و تنها بیست و پنج درصد مباحث تحلیلی وجود دارد.

در تفاسیر شیعه با توجه به اصول مذهب بودن امامت در تمامی تفاسیر مسأله‌ای موعود و موعودباوری و موعودگرایی با جزئیات آمده است. در این مقاله به خاطر عدم اطاله کلام تنها ۱۰ آیه از ۶۵ آیه مشترک که هم تفاسیر اهل سنت و هم تشیع در تفسیر آن‌ها به موضوع موعود باوری و مهدویت اشاره مستقیم کرده‌اند مورد بررسی قرار خواهند گرفت، تأکید می‌شود که اشاره مستقیم کرده‌اند و الا آیات با اشاره غیر مستقیم بیش‌تر می‌باشند و قطعاً آیاتی که در ذیل آن‌ها اشاره به مهدویت و موعودباوری در تفاسیر شیعه شده است بسیار زیادتر می‌باشند.

### تحلیل مفاهیم موعود گرایی

#### ۱. خزی و خواری کلی و نهایی ظالمان در زمان موعود

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (بقره/۱۱۴)

«و کیست بیدادگرتر از آن کس که نگذارد در مساجد خدا، نام وی برده شود، و در ویرانی آن‌ها بکوشد؟ آنان حق ندارند جز ترسان- لرزان در آن [مسجد]ها درآیند. در این دنیا ایشان را خواری، و در آخرت عذابی بزرگ است»

تفاسیر شیعه: جوامع الجامع، ج ۷۳: ۱؛ تفسیر شبر: ۱۷؛ فتح القدير، ج ۱: ۱۵۴ و روان جاوید، ج ۱: ۱۶۲-۱۶۳

تفاسیر اهل سنت: کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۱: ۳۲۵؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۱: ۵۳-۵۴، البحر المحيط، ج ۱: ۵۲۸؛ فتح البيان، ج ۱: ۲۵۸ و تفسیر لاهیجی، ج ۱: ۱۰۴، ذیل این آیه بیان نموده‌اند خزی کافران در زمان ظهور حضرت مهدی(عج) می‌باشد.

با توجه به این تفاسیر تحلیل این است که کافران یعنی کسانی که به دین اسلام اعتقاد ندارند یا اینکه لا اقل با آن دشمنی دارند به صورت کامل خوار و ذلیل خواهند

شد نه جزئی و در بخشی از کره خاکی و چون تا مقطع کنونی و زمان حاضر این اتفاق نیفتاده است پس موعودگرایی و موعود باوری عقلانی می‌باشد حال شاید برخی سؤال بگویند که منظور پیروزی اسلام در زمان پیغمبر(ص) یا برخی پیروزی‌های دیگر مسلمانان است؛ در پاسخ این مطلب باید گفت اگر اینطور بود اولاً در تفاسیر اشاره می‌شد آنچنان که در تفسیر برخی آیات به خصوص شأن نزول این موارد بیان شده است ثانیاً با توجه به در نظر گرفتن کلیت قرآن کریم که دین را فقط دین اسلام معرفی می‌کند و زمین را میراث صالحان می‌داند پس می‌توان نتیجه گرفت از لحاظ منطقی و عقلی بدون در نظر گرفتن بحث روایی و برداشت مفسران قرآن کریم این وعده اثبات موعودباوری و حقانیت موعود در اسلام را نشان می‌دهد.

## ۲. پیش‌اعلامی موعودباوری و موعودگرایی

﴿وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/ ۱۲۴)

«(به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها بر آمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقام‌اند»

مفسران شیعه ذیل این آیه با نقل حدیثی از امام صادق علیه‌السلام «کلمات» را پنج تن آل عبا و «تمهن» را به دوازدهمین امام از این نسل یعنی حضرت مهدی (عج) تفسیر نموده‌اند: مجمع البیان، ج ۱: ۳۷۸؛ منهج الصادقین، ج ۱: ۲۹۳؛ تفسیر لاهیجی، ج ۱: ۱۰۹؛ تفسیر صافی، ج ۱: ۱۶۹؛ البرهان، ج ۱: ۳۱۷؛ نور الثقلین، ج ۱: ۱۲۰؛ کنز الدقائق، ج ۲: ۱۳۵؛ نفحات الرحمن، ج ۱: ۱۰۶؛ اثنی عشری، ج ۱: ۲۴۸؛ تفسیر آسان، ج ۱: ۴۷۷؛ روان جاوید، ج ۱: ۱۶۹؛ الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۲: ۱۲۴-۱۲۵؛ الغیب و الشهادة، ج ۱: ۴۳۳؛ الجدید، ج ۱: ۱۴۰؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲: ۱۸۱؛ الفرقان فی تفسیر القرآن (نجفی)، ج ۱: ۳۰۴؛ مواهب الرحمن، ج ۲: ۱۸.

یکی از مفسران اهل سنت با ذکر روایتی از امام باقر علیه السلام به بیان چگونگی قیام حضرت پرداخته است: البحر المحيط، ج ۱: ۵۴۹.

فارغ از اشاره مستقیم روایاتی که مفسران به آن استناد نموده‌اند، به علت اینکه ذیل این آیه مفسران از مهدویت و موعودباوری یاد کرده‌اند به خاطر مفهوم آیه یعنی حکم کلی خداوند این است که همیشه برای مردم امام وجود دارد؛ یعنی هیچ دوره‌ای نیست که امام وجود نداشته باشد زیرا سخن حضرت / ابراهیم که عنوان نموده است از ذریه من هم امام وجود دارد و خداوند وجود امام بعد از حضرت / ابراهیم را نفی نکرده و فرموده است فقط وظیفه امامت بر عهده صالحان است حال چه از فرزندان و نوادگان حضرت / ابراهیم باشد چه نباشد. پس منطق حکم می‌کند. روایت امام صادق (ع) و امام باقر (ع) ذیل آیه در تفاسیر اهل سنت و تشیع نیز منطبق با منطق است.

### ۳. معرفی اصل و نصب شخص موعود

﴿لِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ اِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ۗ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (آل عمران / ۳۳ و ۳۴)

«به یقین خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را برگزید و بر جهانیان برتری بخشید. او نسلی را برتری داد که در فضایل و خصلت‌های پسندیده مانند یکدیگرند، و خدا شنونده سخنان و آگاه از راز دل هاست و می‌داند چه کسانی در خور این موهبت‌اند»

برخی از مفسران شیعه از «ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ» به معرفی اجداد مبارک حضرت مهدی (عج) پرداخته‌اند: البرهان، ج ۱: ۶۱۲؛ المقتنیات الدرر، ج ۲: ۱۸۷؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ۱۷۶؛ مواهب الرحمن، ج ۵: ۲۶۷.

مفسر آلاء الرحمن آیه شریفه را از سخنان و پیام‌های حضرت مهدی (عج) در ایام ظهور دانسته است: آلاء الرحمن، ج ۲: ۴۸.

از این آیه بشارت به ظهور نیز استفاده شده است: تفسیر گارز، ج ۲: ۳۸.

از مفسران اهل سنت ذیل این آیه به اجداد حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده‌اند: تفسیر القرآن الکریم (ابن عربی)، ج ۱: ۱۱۱-۱۱۲؛ روح البیان، ج ۲: ۲۵-۲۶.

یکی از مفسران اهل سنت نیز به مدت عمر آدم، نوح و ابراهیم علیهم السلام پرداخته است: تفسیر القرآن الکریم (محمد طه)، ج ۲: ۱۱۸.

سؤال مطرح شده در اینجا این است چه لزومی دارد خداوند متعال از اصل و نصب نام برد و بفرماید «ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ»؟ مگر اصل و نصب فضیلت است و یا به نفسه موجب سعادت و برگزیدگی می‌گردد؟ در پاسخ می‌توان اشاره کرد که بیان اصل و نصب پیامبران چیزی جز معرفی غیر مستقیم پیامبر یا امامی در حال یا آینده نمی‌باشد، زیرا عنوان کردن اینکه برخی از پیامبران نواده و فرزند برخی دیگر هستند فی نفسه ضرورتی ندارد. پس سخن مفسران در این باب بسیار منطقی است که به معرفی اجداد حضرت موعود (عج) پرداخته‌اند.

#### ۴. معرفی حضرت مسیح (ع) به عنوان یار موعود

﴿وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (آل عمران/۴۶)

«و هنگامی که او (حضرت عیسی) نوزادی در گهواره است و آنگاه که میانسال است با مردم سخن خواهد گفت و از زمره شایستگان است»

مفسران شیعه ذیل این آیات به بیان نزول حضرت عیسی علیه السلام در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) و اقدامات ایشان پرداخته‌اند: مجمع البیان، ج ۲: ۷۴۹؛ مواهب علیه، ج ۱: ۱۴۷؛ تفسیر لاهیجی، ج ۱: ۳۲۵؛ تفسیر شبر: ۵۶؛ اثنی عشری، ج ۲: ۱۰۱؛ روان جاوید، ج ۱: ۴۱۷؛ الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۵: ۱۴۰-۱۴۲؛ تفسیر نمونه، ج ۲: ۴۱۶؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ۱۹۹.

مفسران اهل سنت این آیه را ناظر به مسائلی پیرامون نزول حضرت عیسی علیه السلام تفسیر کرده‌اند: بحر العلوم (تفسیر سمرقندی)، ج ۱: ۲۶۸؛ تفسیر سلمی (حقائق التفسیر)، ج ۱: ۱۰۰؛ لطائف الإشارات، ج ۱: ۲۴۳؛ تاج التراجم، ج ۱: ۳۵۸ و ۳۶۹؛ معالم التنزیل، ج ۱: ۴۴۷-۴۴۸؛ کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۲: ۱۱۹-۱۲۰؛ زاد المسیر، ج ۱: ۲۸۳؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۲: ۶۹؛ انوار التنزیل، ج ۱: ۲۵۶؛ تفسیر خازن، ج ۱: ۲۴۶؛ البحر المحیط، ج ۲: ۴۸۳؛ غرائب القرآن، ج ۳: ۱۹۹؛ الدر المنثور فی التفسیر

بالمأثور، ج ۲: ۱۹۹؛ السراج المنیر، ج ۱: ۲۱۵؛ روح البیان، ج ۲: ۳۵؛ بیان المعانی، ج ۳: ۳۴۲؛ تفسیر القرآن للقرآن، ج ۲: ۴۴۹-۴۵۰.

محمد رشید رضا هم به تبیین مفهوم دجال پرداخته است: المنار، ج ۳: ۳۱۷.  
با توجه به اینکه خداوند متعال فرموده است حضرت عیسی با مردم در کودکی و میانسالی سخن می گوید، می توان از مفهوم آیه استنباط کرد که حضرت عیسی میانسالی طولانی ای دارد زیرا لزوم بیان اینکه در میانسالی با مردم سخن خواهد گفت چیزی به جز این نیست که میانسالی ادامه دار و طولانی است همانگونه که سخن گفتن در کودکی معجزه است، سخن گفتن در میانسالی که قرن ها تداوم داشته است نیز معجزه است لذا اگر این استنباط را بخواهیم نادیده بگیریم می توان این دو سؤال را مطرح کرد: چه لزومی داشته است خداوند متعال از سخن گفتن در میانسالی حضرت عیسی (ع) با مردم نام ببرید؟ چرا از سخن گفتن حضرت عیسی در جوانی و نوجوانی و کهنسالی سخنی به میان نیامده است؟

با توجه به این استدلال و نگاهی مختصر به کلیت آیات موعودباوری این آیه فی نفسه با توجه به مفهوم، تأیید کننده زنده بودن حضرت مسیح است و لزوم زنده بودن او برای همراهی حضرت مهدی (عج) می باشد.

هرچند در آیات دیگری مانند آیه ۱۵۶ و ۱۵۷ سوره مبارکه نساء مستقیم قرآن کریم اشاره کرده است که حضرت مسیح زنده است و به قتل نرسیده است ولی ظرافت قرآن در این آیه، غیر مستقیم تأییدکننده آیتی است که مستقیم به این مطلب اشاره نموده اند و این از معجزات قرآن است که در مفاهیم آن هیچ خللی وارد نیست.

##### ۵. تأکید و اصرار به پذیرش موعود و موعودباوری

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الْكِتَابَ آمَنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مَصِّدًا قَالِ مَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُّهَا عَلَىٰ آدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾ (نساء / ۴۷)  
«ای کسانی که کتاب آسمانی به شما داده شده است، به این قرآن که به سوی شما فرو فرستاده ایم و تورات و انجیلی را که با شماست تأیید می کند، ایمان بیاورید، پیش از آنکه چهره هایی را که باید روی به کمال

آورد محو کنیم و در نتیجه آن‌ها را به واپس (روی به تیره بختی) بازگردانیم، یا همانگونه که (اصحاب سبت) را از رحمت خود دور ساختیم، آنان را نیز از رحمت خود دور سازیم، و فرمان خدا انجام شدنی است»

مفسران شیعه ذیل این آیه به اموری از قبیل خروج سفیانی و خسف به بیداء اشاره کرده و آن را از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) قلمداد کرده‌اند: العیاشی، ج ۱: ۲۷۱-۲۷۲؛ نور الثقلین، ج ۱: ۴۸۶؛ کنز الدقائق، ج ۳: ۴۲۰؛ تفسیر جامع، ج ۲: ۷۳-۷۵، ترجمه المیزان، ج ۴: ۶۰۴؛ الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۷: ۹۶؛ الجدید، ج ۲: ۲۹۷.

صاحب تفسیر «البرهان» علاوه بر موضوع فوق به حوادث دوران ظهور نیز پرداخته است: البرهان، ج ۲: ۸۷-۸۹؛ و مفسر «انوار العرفان نیز دعوت جهانیان به اسلام در ایام ظهور را بیان استفاده کرده است: انوار العرفان، ج ۸: ۳۳۷.

نکته قابل توجه این آیه به اصرار پذیرش قرآن از جانب اهل کتاب اشاره دارد و بیان می‌دارد که در صورت عدم پذیرش به سرنوشتی مانند سرنوشت پیشینیان دچار خواهند شد، و در پایان می‌فرماید امر و فرمان خداوند انجام شدنی است، یعنی یک تهدید صرف نیست که اگر انجام هم ندادید از شما بگذرد، لذا با توجه به اینکه هنوز تا الان همه اهل کتاب به قرآن کریم ایمان نیاورده‌اند و در صورت عدم ایمان آوردن گرفتار فرمان خداوند می‌شوند و این فرمان تا چه زمانی باید به تأخیر بیفتد؟ پاسخ حقانیت موعود و موعودگرایی را نمایان می‌کند، این عقلانی است که مفسران ارجمند با اشاره به اتفاقات قبل از ظهور حضرت حجت (عج) و اسم آوردن از سفیانی و خسف بیداء که از روایات منبعث شده است و این دو نمونه را نمونه‌های ذکر شده در آیه مذکور تطبیق داده‌اند تفسیر کنند، زیرا هیچ خرد و عقل سلیمی بیهوده بودن آیات قرآن کریم را تأیید نمی‌کند.

## ۶. تحقق وعده‌های الهی در زمان موعود

﴿فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا﴾ (نساء/۸۴)

«پس تو خود- ای پیامبر- در راه خدا پیکار کن، هرچند مردم در جهاد سستی کنند، و بدان که جز به کار خود مکلف نیستی، و مؤمنان را به پیکار برانگیز، باشد که خداوند گزند کافران را از مؤمنان باز دارد، و خداست که عذابش سخت‌تر و کیفرش شدیدتر است»

مفسران شیعه زمان تحقق وعده الهی در این آیه را، زمان ظهور حضرت مهدی (عج) دانسته‌اند: روض الجنان و روح الجنان، ج ۶: ۳۸؛ تفسیر گازر، ج ۲: ۲۵۲؛ منهج الصادقین، ج ۳: ۷۸؛ اثنی عشری، ج ۲: ۵۲۳.

اما رشیدالدین میبدی از مفسران اهل سنت یکی از مصادیق تحقق این وعده الهی را حضرت عیسی علیه السلام دانسته است: کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۲: ۶۰۹.

توجه به مفهوم این آیه نشان می‌دهد که وعده داده شده در این آیه که همان عذاب سخت و کیفر شدیدتر برای کفار است هنوز اتفاق نیفتاده است چراکه کفار در بسیاری از مقاطع تاریخی و مکان‌های این کره خاکی بعد از پیامبر اسلام (ص) ظلم و عذاب‌هایی برای مسلمانان داشتند و با وجود جهاد مسلمانان در مقابل آن‌ها هنوز عذاب سخت و کیفر شدید خداوند از آستین مؤمنان علیه کافران بیرون نیامده و آنچه با خرد و عقل و منطق سازگار است تحقق این وعده در زمان شخص موعود می‌باشد. این استدلال بدون در نظر گرفتن بحث روایی و تفاسیر روایی ذیل آیات اینچنینی قابل اثبات و غیر قابل انکار است.

آیات دیگری را با این سیاق می‌توان مفهوم گشایی کرد مانند آیه ۹۲ سوره مبارکه

مائده:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾

«اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید! و (از مخالفت فرمان او) بترسید! و اگر روی برگردانید، (مستحق مجازات خواهید بود و) بدانید بر پیامبر ما، جز ابلاغ آشکار، چیز دیگری نیست (و این وظیفه را در برابر شما، انجام داده است)»

آیه ۱۰۵ سوره مبارکه انبیاء:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾

در زمان موعود تحقق خواهد یافت زیرا تا کنون محقق نشده است.

### ۷. موعود و موعودباوری ضرورتی برای زنده بودن حضرت عیسی (ع)

﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ  
وَالَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ۚ بَلْ رَفَعَهُ  
اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ (نساء/ ۱۵۷ و ۱۵۸)

«و اینکه گفتند: ما مسیح، عیسی پسر مریم، پیامبر خدا را کشتیم، در حالی که او را نکشتند و او را به صلیب نکشیدند، بلکه امر بر آنان مشتبه شد و دیگری را به جای او کشتند و قطعاً کسانی که درباره چگونگی قتل او اختلاف کرده‌اند که آیا به صلیب کشیده شد یا به گونه‌ای دیگر کشته شد درباره اصل کشته شدن او تردید دارند و از فرجام وی آگاهی ندارند و فقط حدس و گمان را دنبال می‌کنند و مسلماً او را به هیچ طرزى نکشتند. بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد، و خدا شکست ناپذیر و حکیم است»

برخی از مفسران شیعه ذیل این آیات با ذکر حدیثی مبنی بر حمایت حضرت مهدی (عج) توسط ملائکه‌ای که همراه حضرت عیسی علیه السلام بالا رفتند، به امدادهای غیبی در ایام ظهور حضرت مهدی (عج) پرداخته‌اند: نور الثقلین، ج ۱: ۵۶۹؛ کنز الدقائق، ج ۳: ۵۸۱-۵۸۲. صاحب «تفسیر اثنی عشری» شباهت حضرت مهدی (عج) به انبیا را بیان کرده است: اثنی عشری، ج ۲: ۶۴۲-۶۴۳. صاحب تفسیر «انوار درخشان» علاوه بر آن به بیان نزول حضرت عیسی علیه السلام در ایام ظهور حضرت مهدی (عج) پرداخته است: انوار درخشان، ج ۴: ۲۷۹ و صاحب تفسیر «مواهب الرحمن» نیز فلسفه نزول حضرت عیسی علیه السلام را مطرح کرده است: مواهب الرحمن، ج ۱: ۱۵۹ و ۱۲۰.

اما مفسران اهل سنت این آیات را درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام و مطالب پیرامون آن تفسیر نموده‌اند: التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۱: ۱۶۳؛ البحر المحیط، ج ۳: ۴۰۷؛ الجواهر الحسان، ج ۱: ۴۰۲؛ نظم الدرر، ج ۲: ۳۵۱؛ روح البیان، ج ۲: ۳۱۹؛ روح المعانی، ج ۶: ۱۲؛ تیسیر التفسیر، ج ۲: ۴۶۲؛ محاسن التأویل، ج ۳: ۵۵۰ و ۵۷۸؛ الجواهر فی تفسیر



تحلیل مفاهیم مرتبط با اثبات عقلی موعودگرایی در تفاسیر قرآنی اهل سنت و تشیع / ۸۹

القرآن، ج ۲: ۱۱۰-۱۱۳؛ فی ظلال القرآن، ج ۲: ۵۸۷؛ صفوة التفاسیر، ج ۱: ۳۱۷؛ مواهب الرحمن، ج ۳: ۸۲؛ المنیر، ج ۲: ۳۵۱؛ الأساس فی التفسیر، ج ۲: ۱۲۳۲-۱۲۳۳؛ تفسیر شعراوی، ج ۵: ۲۷۹۶-۲۷۹۸.

مفسران «المنار» پس از نقل روایات ظهور حضرت مهدی (عج) و نزول حضرت عیسی علیه السلام به نقد مدعیان مهدویت پرداخته‌اند: المنار، ج ۶: ۵۷-۵۹.

با تحلیل مفهوم این آیه می‌توان به این نتیجه رسید که لازم است حضرت عیسی (ع) زمانی ظهور کند، زیرا او کشته نشده و زنده است و اگر لازم نیست ظهور کند پس چه لزومی به زنده بودن او است برخی‌ها شاید بگویند که شخص موعود همان حضرت عیسی (ع) است، هرچند این مطلب در اصل موعودباوری و موعودگرایی خللی ایجاد نمی‌کند ولی باید گفت بررسی مفاهیم دیگر آیات قرآن کریم این مطلب را تأیید نمی‌کند و از بررسی تفاسیر و مفاهیم قرآن کریم این مورد استنباط نمی‌شود که شخص موعود حضرت عیسی (ع) است. بلکه می‌توان نتیجه گرفت او یار اصلی و مؤید شخص موعود است. هرچند در آیه بعد یعنی ۱۵۹ سوره نساء خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾

«و هیچ کس از اهل کتاب نیست مگر اینکه به عیسی پیش از آنکه او

بمیرد ایمان می‌آورد و او روز قیامت بر آنان گواهی می‌دهد»

اولاً باید گفت ایمان آوردن به شخصی یعنی ایمان آوردن به دعوت و رسالت او نه خود شخص و ثانیاً این آیه مؤید ظهور حضرت عیسی (ع) و حضرت مهدی (عج) است، چراکه می‌فرماید همه اهل کتاب قبل از مرگش به او ایمان می‌آورند یعنی هنوز نمرده است و این لزوم موعود را اثبات می‌کند.

### لزوم وجود موعود جهت پایان یافتن تمامی مبارزات با کافران

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

(انفال / ۳۹)

«و با کافران بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین (حاکمیت) یکسره از

آن خدا باشد. پس اگر از جنگ باز ایستادند و تن به سازش دادند، خدا

حکم خود را درباره آنان اعلام خواهد کرد، چراکه او به آنچه می‌کنند بینا است»

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «لَمْ يَجِيءَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعْدُ سَيَرَى مَنْ يُدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَلَيُبَلِّغَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شَرَكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ».

مفسرانی که این روایت را نقل کرده‌اند، عبارت‌اند از: العیاشی، ج ۲: ۶۵ و ۶۱-۶۲؛ مجمع البیان، ج ۴: ۸۳۴؛ جوامع الجامع، ج ۲: ۲۱؛ منهج الصادقین، ج ۴: ۱۹۱-۱۹۲؛ تفسیر لاهیجی، ج ۲: ۱۹۴؛ الجوهر الثمین، ج ۳: ۲۴؛ تفسیر صفی: ۲۸۲؛ المقتنیات الدرر، ج ۵: ۹۱؛ القرآن و العقل، ج ۲: ۱۵۶؛ تفسیر جامع، ج ۳: ۵۴؛ تفسیر عاملی، ج ۴: ۳۲۳. احسن الحدیث، ج ۴: ۱۳۲؛ ترجمه المیزان، ج ۹: ۱۱۴؛ تفسیر آسان، ج ۶: ۱۱۵؛ روان جاوید، ج ۲: ۵۳۴؛ الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۱۲: ۲۱۱-۲۱۳؛ تفسیر روشن، ج ۹: ۳۴۶. جدید، ج ۳: ۲۸۱؛ تفسیر نمونه، ج ۷: ۱۶۶-۱۶۷؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶: ۱۲۳-۱۲۴؛ تفسیر راهنما، ج ۸: ۴۹۰-۴۹۱. چهار تن از مفسران اهل سنت نیز تحقق این آیه را موقوف به زمان مهدی (عج) نموده‌اند: روح المعانی، ج ۹: ۲۰۷؛ تیسیر التفسیر، ج ۴: ۳۶۳؛ مدارک التنزیل، ج ۱: ۴۷۱؛ الأساس فی التفسیر، ج ۴: ۲۱۶۴.

مفهوم آیه نشان می‌دهد که مبارزه تا زمانی که هیچ فتنه‌ای بر روی زمین باقی نماند باید ادامه یابد، پس زمانی خواهد رسید که هیچ فتنه‌ای از سوی هیچ شخصی نباشد، چون اگر این زمان وجود نداشته باشد، بیان کردن آن ضرورتی ندارد و این زمان همان زمان موعود است که با تشکیل حکومت شخص موعود و پیروان تمامی فتنه‌ها از بین می‌رود و کل دین‌ها دین یکتاپرستی واقعی خواهد شد.

## ۹. لزوم وجود موعود برای غلبه دین خداوند بر تمام ادیان

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَيْنَا أَنْ نَكْفُرَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۗ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه / ۳۲ و ۳۳)

«آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هرچند کافران ناخشنود باشند! او

کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه

آیین‌ها غالب گرداند، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند!»

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه ۳۳ توبه می‌فرمایند: «والله ما نزل تأویلها بعد، ولا ينزل تأویلها حتى يخرج القائم. فاذا خرج القائم (عج) لن يبق كافر بالله العظيم ولا شرك بالامام الا كره خروجه حتى لو كان كافر او مشرك في بطن صخرة، قالت: يا مؤمن في بطنی كافر فاكسرنی واقتله».

اکثر مفسران با نقل این روایت یا روایات مشابه، تحقق این آیه را موکول به ظهور حضرت مهدی (عج) نموده‌اند: العیاشی، ج ۲: ۹۳؛ تفسیر قمی، ج ۱: ۲۸۹؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ۲۰۹؛ مجمع البیان، ج ۵: ۳۸؛ روض الجنان و روح الجنان، ج ۹: ۲۲۶؛ تفسیر گازر، ج ۴: ۶۰؛ مواهب علیه، ج ۲: ۵۷؛ منهج الصادقین، ج ۴: ۲۵۰-۲۵۱؛ تفسیر لاهیجی، ج ۲: ۲۵۴؛ تفسیر صافی، ج ۲: ۳۳۷-۳۳۹؛ البرهان، ج ۲: ۷۷۰؛ نور الثقلین، ج ۲: ۲۱۱؛ کنز الدقائق، ج ۵: ۴۴۶؛ الجوهر الثمین، ج ۳: ۷۰؛ تفسیر شبر: ۱۹۲؛ المقتنیات الدرر، ج ۵: ۱۳۲؛ نفحات الرحمن، ج ۲: ۱۲۳؛ تفسیر جامع، ج ۳: ۱۱۱؛ اثنی عشری، ج ۵: ۷۳-۷۱؛ تفسیر عاملی، ج ۴: ۳۸۴؛ احسن الحدیث، ج ۴: ۲۲۴؛ تفسیر المیزان، ج ۹: ۳۴۰-۳۴۱؛ مخزن العرفان، ج ۶: ۳۶-۳۷؛ تفسیر آسان، ج ۶: ۲۵۳-۲۵۶؛ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶: ۲۱۱؛ تفسیر راهنما، ج ۷: ۹۰؛ تفسیر نور، ج ۵: ۴۲؛ پیام قرآن، ج ۹: ۴۲۱ الی آخر کتاب؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۶: ۲۴.

مفسران اهل سنت نیز از این آیه غلبه و حاکمیت اسلام بر سایر ادیان را استدلال کرده‌اند اما زمان تحقق آن را در زمان نزول حضرت عیسی علیه‌السلام دانسته‌اند: تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۲: ۱۲۷-۱۲۸؛ النکت و العیون، ج ۲: ۳۵۵؛ معالم التنزیل، ج ۲: ۳۴۰-۳۴۱؛ کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۴: ۱۱۹-۱۲۰؛ زاد المسیر، ج ۲: ۲۵۴؛ تفسیر کبیر، ج ۲: ۴۲؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۴: ۴۵؛ مدارک التنزیل، ج ۱: ۴۹۴؛ تفسیر خازن، ج ۲: ۳۵۴-۳۵۳؛ التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۲: ۷۵؛ البحر المحیط، ج ۵: ۳۴؛ غرائب القرآن، ج ۶: ۷۲-۷۳؛ الدر المنثور، ج ۴: ۱۷۶؛ السراج المنیر، ج ۱: ۶۰۶؛ روح البیان، ج ۳: ۴۱۶؛ الفتوحات الالهیة، ج ۲: ۲۷۸-۲۷۹. المظهری، ج ۴: ۱۷۷-۱۷۸؛ فتح البیان، ج ۵: ۲۸۹؛ تیسیر التفسیر، ج ۴: ۵۰۲-۵۰۳؛ محاسن التأویل، ج ۵: ۱۸۹ و ۱۹۱؛ الاکلیل علی مدارک

التنزیل، ج ۴: ۲۴۸؛ التیسیر فی احادیث التفسیر، ج ۲: ۳۷۴؛ تفسیر القرآن الحکیم، ج ۱۰: ۴۰؛ زهرة التفاسیر، ج ۴۲: ۳۲۸۷-۳۲۸۸؛ تفسیر القرآن الکریم، ج ۵: ۳۴۹.

از مفهوم این دو آیه می‌توان فهمید که روزی خواهد آمد که تمام دین از آن خداوند است و هیچ معبودی جز او پرستیده نخواهد شد و شرک و شرک ورزی از هر نوعی از بین خواهد رفت. این دو آیه مستقیماً به وجود شخص موعود و روزگار ظهور او و پیروانش اشاره کرده است ولی مفاهیم آن نشان می‌دهد قطعاً وجود دارد.

در آیه‌های ۲۹ و ۳۰ سوره مبارکه سجده از ظهور به عنوان یوم الفتح یاد شده است که یوم الفتح مفهومی است که مصداقش فقط روز موعود است:

﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْتَظَرُونَ ۖ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَاَنْتَظِرُنَّهُمْ مُنْتَظِرُونَ﴾

«ای پیامبر، بگو: روز فتح فرا می‌رسد، ولی در آن روز ایمان کسانی که کفر ورزیده‌اند سودی برای‌شان ندارد و عذاب آنان را فرا می‌گیرد و هیچ مهلتی به آنان داده نمی‌شود. پس روی از آنان برتاب و در انتظار آن باش که خداوند حق را بر باطل چیره سازد و تو را پیروز گرداند؛ آنان در انتظارند که با مردن و یا کشته شدن تو، دعوتت پایان پذیرد»

#### ۱۰. رجعت دلیلی بر وجود موعود و حقانیت موعودباوری و موعودگرایی

﴿الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ (بقره/۲۴۳)

«آیا از داستان کسانی که هزاران نفر بودند و از بیم مرگ از خانه‌های‌شان بیرون رفتند آگاه نشده‌ای که خدا به آنان گفت: بمیرید، سپس آنان را زنده کرد؟ به راستی که خدا دارای بخشش است و از فضل خود به آن مردم حیات دوباره بخشید، ولی بیش‌تر مردم سپاسگزار نعمت‌های خدا نیستند»

برخی مفسران شیعه از این آیه بر اثبات امکان و وقوع رجعت استدلال نموده‌اند: العیاشی، ج ۱: ۱۵۰؛ تفسیر نعمانی: ۸۷؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲: ۲۸۳؛ تفسیر گازر، ج ۱: ۳۰۵؛ منهج الصادقین، ج ۲: ۵۳؛ تفسیر لاهیجی، ج ۱: ۲۳۶-۲۳۷؛ القرآن و العقل،

ج ۱: ۱۴۳؛ تفسیر جامع، ج ۱: ۳۵۹-۳۶۱؛ احسن الحدیث، ج ۱: ۴۵۵؛ سیر آسان، ج ۲: ۹۹-۱۰۰؛ الفرقان فی تفسیر القرآن (محمد صادقی)، ج ۴: ۱۴۹؛ الغیب و الشهاده، ج ۲: ۱۴۴؛ تفسیر نمونه، ج ۲: ۲۲۲؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲: ۴۹۷؛ راهنما، ج ۲: ۱۶۵؛ انوار العرفان، ج ۴: ۲۹۳.

گروه دیگری از مفسران شیعه، با ذکر داستانی از موت و احیاء افرادی در گذشته، رجعت را استخراج نموده‌اند: اثنی عشری، ج ۱: ۴۳۲؛ ترجمه المیزان، ج ۲: ۳۹۲-۳۹۳؛ آسان، ج ۲: ۹۹-۱۰۰؛ مواهب الرحمن، ج ۴: ۱۰۰؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۴: ۱۲۲. مفسران اهل سنت این آیه را اشاره بر زنده شدن گروهی به درخواست حزقیل نبی دانسته‌اند که با استهشاد به آن می‌توان امکان رجعت را اثبات نمود: تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۱: ۲۳۱؛ معالم التنزیل، ج ۱: ۳۲۸-۳۲۹؛ کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۱: ۶۴۹؛ زاد المسیر، ج ۱: ۲۱۹-۲۲۰؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۱: ۲۰۸؛ مدارک التنزیل، ج ۱: ۱۶۹؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۱: ۶۶۱؛ البحر المحیط، ج ۲: ۲۵۹؛ غرائب القرآن، ج ۲: ۳۹۰؛ روح البیان، ج ۱: ۳۷۷؛ محاسن التأویل، ج ۲: ۲۹۶؛ تفسیر القرآن الحکیم، ج ۲: ۲۲۲؛ تفسیر القرآن الکریم (محمد طه)، ج ۱: ۳۸۱.

مفهوم رجعت علاوه بر اینکه مصداقی از مصادیق قدرت خداوند برای نشان دادن معجزه به مردم و ایمان آوردن آنها است، می‌تواند مصداقی از روز موعود باشد، رجعت از آنجایی ضرورت پیدا می‌کند که فردی بدون خواست مستقیم خداوند و خودش و فرصت عمر و کسب ثواب از نعمت حیات محروم بوده است، پس عقلانی می‌باشد کسانی که اینچنین بوده‌اند در روزگاری بازگردند و زندگی کنند در این آیه مستقیم به رجعت اشاره شده و مفسران گرامی نیز آن را تأیید کرده‌اند. پس رجعت واقعی و اصلی در زمان موعود و روزگار ظهور می‌باشد.

### نتیجه بحث

با بررسی‌های به عمل آمده موعودگرایی در اکثر قریب به تمام مکاتب و مذاهب و عقیده‌های جهانی وجود دارد و هر مکتبی به نوعی پیروان خود را در این خصوص اجبار به پذیرش این عقیده کرده است.

در دین اسلام، همه تفاسیر تشیع مستقیم و غیر مستقیم به این موضوع پرداخته‌اند؛ از منظر شیعه موعودگرایی با مصداق/امام مهدی(عج) فرزند/امام حسن عسکری(ع) جزو اصول مذهب است. از منظر طرفداران خلفای راشدین ظهور موعود یکی از نخستین و نامدارترین علامات رستاخیز بزرگ به شمار می‌رود. از این رو در نوشته‌های دانشمندان اهل سنت، روایات و مباحث مهدویت بیش‌تر به دنبال گفت‌وگو از «اشراط الساعة» نقل و مطرح می‌شود. با بررسی تفاسیر مهم اهل سنت (حدود ۱۵۰ تفسیر) دست یافتیم که هفتاد درصد از کل تفاسیر اهل سنت، به مباحث مهدویت پرداخته‌اند؛ درصد کمی از تفاسیر، حاوی مطالب ضد مهدویت است؛ از کل حجم مطالب مهدویت مطرح شده در تفاسیر اهل سنت ۷۵ درصد به صورت نقل روایت است و تنها ۲۵ درصد مباحث تحلیلی وجود دارد. ۶۵ آیه مشترک که هم تفاسیر اهل سنت و هم تشیع در تفسیر آن‌ها به موضوع موعودباوری و مهدویت اشاره مستقیم کرده‌اند وجود دارد؛ که با بررسی ۱۰ آیه آن فارغ از تفسیر مفسران در ذیل این آیات؛ از آیه ۱۱۴ سوره مبارکه بقره، خزی و خواری کلی و نهایی ظالمان در زمان موعود، از آیه ۱۲۴ همین سوره؛ پیش‌اعلامی موعودباوری و موعودگرایی، از آیه ۳۳ و ۳۴ سوره مبارکه آل عمران؛ معرفی اصل و نصب شخص موعود و از آیه ۴۶ همین سوره؛ معرفی حضرت مسیح(ع) به عنوان یار موعود، از آیه ۴۷ سوره مبارکه نساء؛ تأکید و اصرار به پذیرش موعود و موعودباوری و از آیه ۸۴ همین سوره؛ تحقق وعده‌های الهی در زمان موعود و از آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ این سوره؛ موعود و موعودباوری ضرورتی برای زنده بودن حضرت عیسی(ع)، از آیه ۳۹ سوره مبارکه انفال، لزوم وجود موعود جهت پایان یافتن تمامی مبارزات با کافران، از آیه ۳۲ و ۳۳ سوره توبه؛ لزوم وجود موعود برای غلبه دین خداوند بر تمام ادیان و یکی شدن دین تمام مردم، از آیه ۱۴۳ سوره بقره، رجعت دلیلی بر وجود موعود و حقانیت موعودباوری و موعودگرایی را می‌توان با بررسی مفاهیم مندرج در این آیات بدون در نظر گرفتن تفسیر مفسران و روایات تفسیری در ذیل آن‌ها و با نگاهی کلی به مفهوم واژگان و مفهوم کلی آیات موعودباوری یا مهدویت در قرآن دست یافت که منطبق هیچ خردمندی و استدلال هیچ عقل سلیمی آن‌ها را انکار نخواهد کرد.

## کتابنامه

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. ۱۴۰۷ق، زاد المسیر، بیروت: دار الكتاب العربی.
- انیس، ابراهیم و عبدالحلیم منتصر و عطیه الصوالحی و محمد خلف. ۱۳۷۹ش، المعجم الوسیط، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۰ش، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: اسراء.
- حسن زاده آملی، حسن. بی تا، نهج الولاية، قم: انتشارات قیام.
- خسرو شاهی، عبدالمحسن عباد. ۱۳۸۲ش، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، تهران: اطلاعات.
- خلخالی، محمد مهدی. بی تا، خورشید پنهان، بی جا: بی نا.
- سبحانی، جعفر. ۱۴۱۷ق، الحیاة، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- صادقی، محمد. ۱۴۰۸ق، الفرقان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- الصنعانی، عبدالرزاق بن همام. ۱۴۰۳ق، المصنّف، بیروت: دار الفکر.
- فقیه ایمانی، مهدی. ۱۴۲۰ق، اصالة المهدي في الإسلام، ایران: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- هندی، متقی. ۱۴۰۵ق، کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرسالة.

## مقالات

- فلاح، ابراهیم و نصرت الله نصیری. «معناشناسی تبشیر در قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۷۳-۹۲.

## Bibliography

- Holy Quran. Translated by Nasser Makarem Shirazi.
- Javadi Amoli, Abdullah 2001, Thematic Interpretation of Holy Quran, Qom: Esra '.
- Hassanzadeh Amoli, Hassan. Wilayah Nahj, Qom: Qiyam Press
- Khosrow Shahi, Abdul Mohsen Ebad. 2003, Mosleh Jahani and the Promised Mehdi from the Sunni Perspective, Tehran: Information.
- Khalkhali, Mohammad Mehdi, The Hidden Sun
- Subhani, Jafar. 1417 BC, Al-Hayat, Qom: Foundation of Imam Sadeq
- Sadeghi, Muhammad. 1408 B.C., Al-Furqan in the Interpretation of Holy Quran, Tehran: Proliferations of Islamic Farhang.
- Al-Sanani, Abdul Razzaq bin Hammam. 1403 BC, Al-Musannaf, Beirut: Dar Al-Fikr. Ibn Jawzi, Abd al-Rahman bin Ali. 1407 BC, Zad Al-Masir, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.

Anis, Ibrahim, Abdel Halim Montaser, Attia Al-Sawalhi, and Muhammad Khalaf. 1379 , Al-Waseet Dictionary, Tehran: Islamic Farhang Publication Book.

Faqih Imani, Mahdi. 1420 BC, The authenticity of the Mahdi in Islam, Iran: Islamic Knowledge Foundation.

Hendi, Muttaqi. 1405 BC, Treasure of Workers, Beirut: Al-Resala Foundation.

**Articles**

Fallah, Ibrahim and Nusratullah Nasiri. "Semantics of Evangelism in Holy Quran", Quarterly Journal of Quranic Studies, Islamic Azad University, Jiroft Branch, Year 9, No. 33, pp. 73-92.



**Analysis of Concepts Related to the Rational Proof of Messianism in  
Sunni and Shiite Quranic Interpretations**

Receiving Date: 30 January, 2020

Acceptance Date: 14 April, 2020

Mashallah Bakhshi: PhD Candidate, Faculty of Quran & Hadith, Islamic Azad University, North Tehran Branch

Seyyed Adel Nader Ali: Associate Professor, Faculty of Theology, Islamic Azad University, North Tehran Branch

Adelnaderali53@gmail.com

Mehryar Shababi: Assistant Professor, Faculty of Theology, Islamic Azad University, North Tehran Branch

Corresponding Author: Seyyed Adel Nader Ali

**Abstract**

Studying the concepts of Holy Qur'an is of very importance, especially when it is accompanied by logic, reasoning and interpretation of Qur'an to Qur'an. The present article addresses important issues such as the Assigned and Messianism that are tied to the fate of humanity, and there are more than 65 verses that have a completely common view to messianism emphasizing Sunni and Shiite's interpretations. By studying the meanings of 10 Verses of Qur'an, it is quite obvious that regardless of the interpretation and narration about mentioned verses according to the meanings of the verse itself and putting it next to the general meaning of Holy Qur'an, we can argue and conclude that what the commentators and interpretations of Qur'an claim which is more or less narrative or derived from narrations, achieved and applied a kind of independent semantics. The most important results of this research indicate that the messianism as necessity for Jesus's being alive, and the necessity of the Assigned to overcome the religion of God over all religions and the unification of all religions, can be proved by the conceptual style of the relevant verses.

**Keywords:** Holy Quran, Sunni, Shiite, Assigned, emergence, reasoning.